

خاستگاه و جایگاه زبان گیلکی

در قرن هجدهم میلادی شخصی به نام «سر ویلیام جونز» برای اولین بار از شباهت میان زبان‌هایی صحبت کرد که به زبانهای «هندو اروپایی» مشهور شدند. بر اساس مقایسه زبانهای ثبت شده قدیمی و زبانهای امروزی این نظر بین جمهور زبان‌شناسان وجود دارد که منشاء تمامی زبانهای این خانواده که در حال حاضر حدود 3 میلیارد نفر گویشور داشته و بزرگترین خانواده زبانی را تشکیل می‌دهند، یک زبان واحد فرضی به نام «هندو اروپایی اولیه» بوده است. یکی از شاخه‌های منشعب از زبانهای «هندو اروپایی»، زبانهای «هندو ایرانی» هستند که دسته کوچکتر «زبانهای ایرانی» یکی از شاخه‌های آن است و زبان‌های موجود در این گروه نیز خود در دسته‌های کوچکتری قرار می‌گیرند.

طبق نظر زبان‌شناسان گیلکی در گروه «زبانهای شمال غربی ایرانی» و در دسته «زبانهای اطراف دریای کاسپی» قرار می‌گیرد. از جمله زبانهای نو شمال غربی ایرانی، می‌توان به کردی، زازاکی، بلوچی و... اشاره کرد و برای زبان‌های اطراف دریای کاسپی می‌توان زبان‌های تالشی، سمنانی، سنگسری و... را نام برد. زبان فارسی در گروه زبانهای جنوب غربی ایرانی، در کنار زبانهایی مانند لری، لاری و... قرار می‌گیرد. بر اساس متون به جا مانده از زبانهای ایرانی، برای آنها سه دوره تاریخی باستان، میانه و نو در نظر می‌گیرند. به طور کلی سیر معکوس تاریخی، همگرایی زبانهای هم خانواده را نتیجه می‌دهد. از دوره باستان زبانهای ایرانی، تنها از دو زبان هخامنشی و اوستایی اطلاعات قابل توجهی موجود است. این زبان‌ها به همراه زبان هندو ایرانی سانسکریت از دوران باستان می‌توانند در شناختن چگونگی تحول زبان‌ها از زبان فرضی هندو اروپایی اولیه تا دوران میانه و نو ایرانی به ما کمک کنند. از دوران میانه زبانهای ایرانی غربی، زبان‌های «پهلوی اشکانی» و «پهلوی ساسانی» ثبت شده‌اند که با تطبیق واژه‌ها و دستور آنها می‌توان به شناخت بیشتری از زبانهای ایرانی نو رسید. با ذکر چند مثال سعی می‌شود خاستگاه زبان گیلکی را بررسی کنیم.

در گویشهای مختلف زبان گیلکی کلمات «مانگ/منگ/مونگ» معادل «ماه» در زبان فارسی است. اوستایی و

هخامنشی این کلمه **mah**، در سانسکریت **mas**، در آلمانی **mond**، در انگلیسی **moon** است و صورت هندو اروپایی اولیه آن **menses** بازسازی می شود. همانطور که مشاهده می شود حرف **n** در گیلکی و در نمونه های اروپایی، هندو اروپایی اولیه وجود دارد در حالی که در زبانهای ثبت شده هندو ایرانی باستان دیده نمی شود.

در برخی از گویشهای زبان گیلکی واژه های «سؤندؤل/سؤندؤل» به معنی «حلزون» به کار می روند. در انگلیسی **snail**، در سوئدی **snigel** به همین وجود دارد که برای آنها ریشه هندو اروپایی اولیه **sneg** به معنی «خزیدن» آورده شده است؛ با توجه به سابقه دار بودن تبدیل **g<d** می توان احتمال داد که واژه های گیلکی ذکر شده به ریشه هندو اروپایی ذکر شده مرتبط باشد.

در بعضی از گویشهای زبان گیلکی واژه «لوئاس» معادل کلمه فارسی «روباه» است. این واژه در سانسکریت **lomaza**، در اوستایی **raopai**، در پهلوی اشکانی **robas**، در انگلیسی **fox** و در لتوانیایی **lapsa** است. همانطور که مشاهده می شود حرف "**s**" در زبانهای هندو اروپایی دیگر هم وجود دارد و با توجه به تبدیل **s>h** نکته جالب اینست که در یک زبان میانه ایرانی این حرف دیده می شود ولی در زبان باستانی ایرانی ثبت نشده است که این نشانه حاکی از وجود زبانهای دیگری غیر از دو زبان ثبت شده در دوران باستان زبانهای ایرانی است. کلمه «ورگ» در زبان گیلکی معادل «گرگ» در زبان فارسی است. این واژه در سانسکریت به صورت **vrkas**، در اوستایی **vehrka**، پهلوی اشکانی و ساسانی **gurg**، در انگلیسی **wolf** می باشد که در هندو اروپایی اولیه به صورت **wlkwos** بازسازی می شود. همانطور که مشاهده می شود صورت گیلکی حرف «**v**» باستانی را در خود حفظ کرده در حالی که در زبانهای میانه پهلوی اشکانی و ساسانی تبدیل **v>g** مشاهده می شود.

در گیلکی «پورد» به معنی «پل» در فارسی وجود دارد. در اوستایی این کلمه به شکل **peretu**، در پهلوی اشکانی **put** و در انگلیسی **ford** به معنی محل عبور از رودخانه آمده است که در هندو اروپایی اولیه به شکل **prtu** بازسازی می شود. در پهلوی ساسانی این واژه به صورت **puhl** وجود دارد.

در دستور زبان گیلکی هم نکات جالبی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

ترکیبات وصفی و اضافی: در زبانهای قدیمی ترتیب ترکیبات وصفی و اضافی بیشتر به شکل ترتیب آنها در گیلکی امروزی شباهت دارد و در فارسی امروزی این ترتیب قلب شده است. برای مثال ترکیب وصفی « srire anahite » در زبان اوستایی به معنی «آناهیتای زیبا» می‌باشد که معادل ترکیب گیلکی «خوجیر ~ آناهیتا» است. ترکیب اضافی «vishtaspahaya pucha» به معنی «پسر ویشتاسپ» در فارسی، با ترتیب ترکیب « ویشتاسپی وچه » در گیلکی هماهنگی نشان می‌دهد.

ضمائر ملکی: در گیلکی ترکیب «می پیئر»، معادل «پدرم / پدر من» در فارسی است. در زبان هخامنشی «mana pita» همین معنی را می‌دهد و ترکیب انگلیسی آن به صورت «my father» است. در این مورد نیز زبان گیلکی ترتیب قدیمی را حفظ کرده است.

شواهد و قرائن نشان می‌دهند که بر خلاف تصور القا شده، گیلکی هرگز گویشی از فارسی نیست. با توجه به اینکه برخی از صورت‌های قدیمی تر از زبانهای میانه غربی در گیلکی وجود دارد قاعدتا نمی‌تواند گویشی از آنها هم باشد؛ با این اوصاف و بر این اساس عدم تطبیق دقیق عناصر زبان گیلکی با زبانهای ثبت شده باستانی می‌توان برای گیلکی دوران باستان و میانه مستقلی از زبانهای ثبت شده در نظر گرفت. طبق شباهت‌های موجود بین زبانهای حوزه دریای کاسپی به احتمال بسیار زیاد نیای باستانی (و شاید میانه) این زبانها با گیلکی مشترک است که در مرحله قبلتر این اشتراک با دیگر زبانهای شمال غربی ایرانی وجود داشته است که در نهایت به نیای اصلی «هندو اروپایی اولیه» ختم می‌شود.

طبیعی است فارسی به عنوان یک زبان جنوب غربی ایرانی شباهت‌های قابل توجهی با گیلکی داشته باشد که این شباهت‌ها مختص به یک زبان نبوده و اشتراک بین زبانها محسوب می‌شوند و این موضوع بین تمام زبانهای هم ریشه قابل مشاهده است.

حتی گاهی کلمات متداول در فارسی اصلی شمال غربی دارند. مانند کلمه «زرد» و «زر» که در زبان جنوب غربی هخامنشی به صورت daraniya ثبت شده است. در اوستایی این کلمه zaranya بوده و از ریشه

هندو اروپایی اولیه ghel به معنی درخشیدن است. در انگلیسی واژه های gold به معنی «طلا» و yellow به معنی «زرد» از همین ریشه وجود دارند. تغییر g>z>d در هخامنشی رخ داده است که چون زبان فارسی از زبانی نزدیک به هخامنشی مشتق شده است می بایست صورت دارای «د» را داشته باشد. طبق همین روند آوایی واژه های زانو، ورزیدن، برزگر، ورزش، دیز-دژ و... دارای اصل شمال غربی ایرانی هستند.

کلمه «ژرف» که در فارسی به کار می رود نیز بر اساس تغییرات آوایی در این زبان دخیل است و صورت جنوب غربی آن باید به صورت «زرف/زفر» باشد چون در زبان پهلوی ساسانی به صورت «zafra» ثبت شده که زبان فارسی از زبانی شبیه به آن مشتق شده است. معادل گیلکی آن در گویشهای مختلف به صورت «جل، جول، جلف، جلفه» وجود دارد. برای مثال دیگری از این دسته می توان به کلمه «مژه» اشاره کرد که معادل گیلکی آن «میجیک» می باشد. معادل پهلوی ساسانی آن mizag بوده و در گویش ممسنی زبان لری «مرزنگ» همین معنی را می دهد. بر همین اساس کلماتی مانند واژه، واج، جوجه تیغی و... نیز دارای اصل شمال غربی هستند.

بر خلاف تصور جا انداخته شده بین مردم، اتلاق زبان، گویش و لهجه به گونه های مختلف، مفهوم رتبه بندی و ارزش گذاشتن گونه ها را نمی رساند؛ بلکه فقط میزان شباهت و تفاوت گونه ها را نشان می دهد. در واقع گویش و لهجه تعریف مستقلی از زبان نبوده و با وجود آن معنا پیدا می کنند و همه گویشها و لهجه ها تمام خصوصیات یک زبان کامل را دارند و رسالت زبان که انتقال مفاهیم و ایجاد ارتباط میان آنهاست را به خوبی انجام می دهند.

به بیان دیگر اگر ثابت شود گونه X و گونه Y در حد گویش باهم اختلاف دارند، رابطه گویش بودن دو طرفه بوده و باید گفته شود گونه X و Y دو گویش از یک زبانند نه اینکه یکی را گویش و آن یکی را زبان نام بنهیم؛ چون در اکثر موارد گویشهای نو یک زبان، منشا یکدیگر نبوده و در گذشته از یک زبان واحد منشعب شده اند که سهمشان از آن زبان به یک اندازه است! یعنی اگر کسی به اشتباه، اصرار بر رابطه گویشی میان زبانهای غیر فارسی ایران و فارسی داشته باشد و مثلاً گیلکی، کردی، بلوچی یا حتی ترکی و ترکمنی را گویشی از فارسی معرفی کند باید گفت در این حالت و با این فرض خلف، فارسی هم نسبت به گونه های یاد شده گویش محسوب

می شود که نزد دهندگان این تفکر، گفتن جمله اخیر برابر با کفر گویی و ارتداد است!

گیلکی نو: از قدیمی ترین متونی که به زبان گیلکی نو نوشته شده است می توان به ترجمه ها و تفاسیر دیلمی و تبری قرآن، اشعار گیل امردی پیر شرفشاه، و اشعار تبری شاعران مختلف در قرون گذشته اشاره کرد که از این حیث می توان گیلکی را پس از فارسی دری، «دومین زبان مکتوب ایرانی نو» لقب داد. بنا به گواهی اسناد تاریخی مکتوبات دیگری نیز به زبان گیلکی نوشته شده است که متأسفانه از بین رفته اند یا حداقل در دسترس نیستند مانند: ذکر اصطلاحات گیل و دیلم که یک باب از کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان نوشته ظهیرالدین مرعشی است، مرزبان نامه منسوب به مرزبان بن رستم و...

در حال حاضر گویشوران بومی زبان گیلکی در استان گیلان از شهر رضوانشهر و مرزبان تالشی تا شهر علی آباد کتول در استان گلستان و بخشهایی از استانهای قزوین، تهران، البرز و سمنان زندگی می کنند که اکثریت آنها به زبان خود «گیلیکی، گیلکی، گلکی» و گفته برخی نیز زبان خود را «تاتی» می نامند. لازم به ذکر است که تاتی به گونه های مختلفی از زبانهای ایرانی اطلاق می شود که مقصود از گیلکی نامیدن برخی از این گونه ها تطابق دستوری و واژگانی آنها با زبان گیلکی است و برخی از گونه هایی که تاتی خوانده می شوند زبانی مستقل از گیلکی بوده و قرابت قابل توجه ای به زبان تالشی دارند.

بر اساس آواها، تفاوت های جزئی دستوری، تحولات واجی می توان گیلکی را به چند دسته کلی تقسیم کرد:

- 1- مناطق غربی گیلان شامل شهر های صومعه سرا، فومن و... 2- مناطق مرکزی گیلان شامل رشت، کوچصفهان، انزلی و... 3- مناطق شرقی گیلان شامل آستانه، لاهیجان و... 4- مناطق جنوبی گیلان شامل رودبار، رستم آباد و... 5- شهرهای کوهپایه ای مانند رحیم آباد، سیاهکل و مناطق کوهستانی شرقی گیلان شامل دیلمان، اشکور و... 6- منتها الیه شرقی گیلان تا تنکابن 7- عباس آباد، چالوس و کلارستاق 8- مناطق جنوبی چالوس مانند دلیر، سیاه بیشه 9- رویان، نور و نوشهر 10- مناطق مرکزی مازندران شامل آمل، بابل و قائمشهر 11- مناطق شرقی مازندران از ساری تا علی آباد کتول 12- مناطق جنوبی استان گلستان غیر ترکمن نشین 13- شهمیرزاد 14- رودبار الموت

در تقسیم بندی فوق فقط مطالب کلی گویشی لحاظ شده و تا حد زیادی تقریبی می باشد. به دلیل نبود مطالعه و پژوهش کافی در مورد گویشهای مختلف، تعیین حدود و ثغور دقیق گویشها امکان پذیر نبوده و زوایا و خفایای گویشهای مختلف کاملاً شناخته شده نیست. سعی می شود با ذکر یک جمله به چند گویش زبان گیلکی، به چند نکته دستوری اشاره شود.

فارسی تهرانی: برادر بزرگ من از سر کار داشت می اومد که پدرت رو دید.

فومن: می پیلله برار کراً کار ˘ سر ˘ جه آمویی کی تی پئتر ˘ بیدی.

رشت: می پیلله برار کراً کار ˘ سر ˘ جه امون ˘ دبو کی تی پئتر ˘ بیدی

رودسر: می پیلا برار کار ˘ سر ˘ جی هما دبو ˘ که تی پیتر ˘ بدی

سختسر: می گت ˘ برار کار ˘ سر ˘ جی هما دبا ˘ که تی پیتر ˘ بئدیه

چالوس: می گت برار کار سر جا دره امیه ˘ که تی پیتر ˘ بدیه

آمل: مه گته برار کار ˘ سر ˘ جا دییه اموئه ˘ که ته پیتر ˘ بدیه

همانطور که مشاهده می کنید با وجود اختلافات جزئی دستوری و تفاوت در کلمات ، ساختار کلی زبان در گویشهای مختلف مشابه است؛ از جمله ضمائر ملکی، ترتیب صفت و موصوف و مضاف و مضاف الیه، ترتیب قرار گرفتن حرف اضافه، آمدن پیش فعل "ب" در زمان ماضی ساده، استفاده از مصدر «دبون/دوین/دیین» برای زمان مستمر در اکثر گویشها.

در گیلکی گاهی برای یک کلمه طیفی مانند این را شاهدیم: «سؤخته، بونه، بیشتی، رندی» معادل «ته دیگ» در

فارسی تهرانی، گاهی اختلاف کلمات در مصوتهاست است مانند: «خاخور، خاخور، خاخور، خاخر» معادل «خاخر/خار

(خواهر)» در فارسی تهرانی، گاهی نیز تغییرات واجی در کلمات گویشهای مختلف مشاهده می شود مانند: «چچ،

چاش، کاش، کاشن، کاشم» معادل «خزه» در گویش تهرانی زبان فارسی. وجود اختلاف گویش و لهجه بسیار در

میان گویشوران زبان گیلکی را می توان به عوامل متعددی مرتبط دانست از جمله: عدم ارتباط گویشوران به

سبب عوامل طبیعی مانند رود، کوه و... وجود بلوک های سیاسی و حکومت های منطقه ای در مناطق مختلف، تاثیر پذیری از زبان همجوار یک گویش مشخص، وجود منابع آب کافی و شکل گیری جمعیت های پراکنده در اطراف آنها.

ذکر این نکته ضروری است که این تفاوتها در میان هر زبان بومی و کهنی قابل مشاهده است؛ به عنوان مثال در زبان کردی طوایف کرمانجی، مکریانی، سورانی، اردلانی، گروسی، کلهری و... در عین وحدت زبانی، دارای گویشها و لهجه های متنوعی هستند که به مراتب بیشتر از گویشهای گیلکی متفاوتند. در زبان ترکی آذربایجانی این اختلافات کمتر دیده می شود، چون سابقه تکلم این زبان در ایران و جمهوری آذربایجان کمتر از زبانهای ایرانی بوده و در فاصله زمانی کمتر تغییرات کمتری در مناطق مختلف حادث شده است.

متأسفانه با روی کار آمدن حکومت پهلوی و داغ شدن مباحث روشن فکری و تجدد، سیاست یکسان سازی ایران و نابود کردن فرهنگها و زبانهای غیر فارسی تفکر غالب حکومت شد و با سکوت و حتی همراهی نخبه های فرهنگی گیلکی زبان آن دوران با جریان مذکور، زنگ خطر برای موجودیت زبان گیلکی به صدا در آمد. این جریان که آبشخورش تفکری به نام «پان ایرانیسم» (بخوانید پان فارسیسم) بود، با حربه هایی نظیر ساختن و اشاعه جوک های موهن قومیتی، گویش یا لهجه خواندن زبانهای غیر فارسی و القای ضعف زبانی در میان گویشوران آنها، دادن تصویری عقب مانده از متکلمان به زبانهای غیر فارسی و تمسخر آنها در رسانه ها و... موفق شد تا حدود زیادی نوعی هویت گریزی را در میان اقوام ایرانی کلید بزند که در نتیجه سبب شد از دهه های 50 و 60 شمسی، اکثر خانواده های طبقه متوسط گیلکی زبان، به جای زبان اصلی خود با کودکانشان به زبان فارسی صحبت کنند و تفاوت های طبیعی آوایی خود با فارسی تهرانی را مایه خجالت و سرافکنندگی احساس کنند. در این بین بیشترین آسیب را زبانهایی دیدند که فقط در داخل مرزهای ایران گویشور داشتند که از جمله می توان به گیلکی و لری اشاره کرد. در بین ترکی زبانان آذربایجانی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، بستر مناسبی برای پژوهش و مدرن کردن زبان ترکی فراهم شد که تاثیرات آن در بین گویشوران ایرانی این زبان هم کاملاً مشهود است. در سالهای اخیر نیز با خود مختاری اقلیم کردستان عراق

فعالیت های پژوهشی و به روز رسانی زبان کردی هم رونق گرفته و شبکه های متعدد ماهواره ای، گویشوران ایرانی و ترکیه ای این زبان را نیز از این مدرن کردن بی نصیب نگذاشته اند. البته در مورد زبان کردی شاید بتوان نقش مذهب را هم موثر دانست چرا که در مناطقی مانند شهر کرمانشاه که عنصر مذهب همسو با مذهب رسمی ایران است روند فارسیزاسیون نتیجه داده و شهر کرمانشاه عملاً فارسی زبان شده است. متن زیر بخشی از مقاله محمود افشار یزدی در مجله آینده است؛ او از بنیان گذاران تفکر پان ایرانیسیم به شمار می رود.

«تیرماه 1304 ، در آغازنامه دوره اول مجله آینده (35 سال پیش)، زیر عنوان (مطلوب ما : وحدت ملی ایران)، خلاصه ولی عیناً چنین نوشته بودم : (مقصود ما از وحدت ملی ایران وحدت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مردمی است که در حدود امروزی مملکت ایران اقامت دارند این بیان شال دو مفهوم دیگر است که عبارت از حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران باشد. اما منظور از کامل کردن وحدت ملی این است که در تمام مملکت زبان فارسی عمومیت یابد، اختلافات محلی از حیث لباس، اخلاق و غیره محو شود، ملوک الطوائفی بکلی از میان برود، کرد و لر و قشقائی و عرب و ترک و ترکمن و غیره با هم فرقی نداشته، هر یک بلباسی ملبس و بزبانی متکلم نباشد... به عقیده ما تا در ایران وحدت ملی از حیث زبان، اخلاق، لباس و غیره حاصل نشود هر لحظه برای استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ما، احتمال خطر می باشد. اگر ما نتوانیم همه نواحی و طوایف مختلفی را که در ایران سکنی دارند یک نواخت کنیم، یعنی همه را به تمام معنی ایرانی نمائیم، آینده تاریکی جلو ماست... پس همه باید یکدل و یک صدا بخواهیم و کوشش کنیم که زبان فارسی در تمام نقاط ایران عمومیت پیدا کند و بتدریج جای زبانهای بیگانه را بگیرد... باید بوسیله ساختن راههای آهن روابط سریع و ارزان میان نقاط مختلف مملکت دائر نمود تا مردم مشرق و مغرب و شمال و جنوب بهم آمیخته شوند؛ باید هزارها کتاب و رساله دلنشین کم بها بزبان فارسی...»

وقتی چنین آشکار و صریح برنامه نابودی زبانهای غیر فارسی در مجله ای چاپ می شود، به راحتی می توان حدیث مفصل نانوشته این سیاست شوم را حدس زد.

با وجود توضیحاتی که ذکر شد، زبان گیلکی چنان پویایی و قدرتی داشته است که با این همه ناملايمات تاکنون به حیات خود ادامه دهد. در طی چند دهه اخیر به دلایلی که ذکر شد زایایی گیلکی برای مفاهیم و پدیده های جدید ناچیز بوده و حتی به سبب عدم آموزش گیلکی و در مقابل آموزش فارسی و الزام به کار گیری در عرصه های مختلف زندگی گیلکی زبانان، دستور و واژگان گیلکی آسیب جدی دیده اند، با این وجود هنوز در اکثر نقاط گیلکی زبان، نفس زبان وجود دارد و طی یک فرآیند بازیابی، آموزش مدون و آکادمیک و تاسیس فرهنگستان برای به روز رسانی زبان، گیلکی میتواند دوباره به روزهای اوج خود بازگردد. با توجه به نقش موثر و جایگاه ادبیات و موسیقی در نشر و تقویت زبان، اشخاص و موسسه های فعال در این حوزه ها می توانند نقش به سزایی در شکل گیری و جهت دهی این امر داشته باشند. فارسی با صرف بودجه های کلان مستقیم و غیرمستقیم، داشتن کرسی های دانشگاهی و پژوهش های گسترده فارسی، وجود آموزش همه جانبه، داشتن فرهنگستان علوم جهت واژه سازی برای پدیده های جدید و... در ایران امکانات انحصاری فراوانی دارد که به رشد آن کمک شایانی کرده می کند؛ بر گیلکی زبانان فرض است که بسته به توانایی خود با خلق آثار هنری و ادبی و پژوهش های زبانی به شناخت و غنای زبان گیلکی و انتقال طبیعی این میراث کهن ارزشمند به نسل آینده کمک کنند و همچنین با طرح درخواست عمومی زمینه را برای به روز رسانی زبان گیلکی از طریق آموزش در مدارس، دانشگاه ها، تأسیس فرهنگستان زبان، اخصاص رسانه ها و... فراهم کنند؛ به امید نزدیک بودن آن روز.

فرهنگ کرمی - سه شنبه 1588 ورفنه ما 15 / 2 تیر 1394

منابع:

- پاینده لنگرودی، محمود – فرهنگ گیل و دیلم
- هاشمی تکلیمی، نورالدین – پژوهشی در گویش رودباری
- فره وشی، بهرام – فرهنگ فارسی به پهلوی
- رضایی باغ بیدی، حسن – راهنمای زبان پارسی (پهلوی اشکانی)
- اشمیت، رودریگر راهنمای زبانهای ایرانی
- برجیان، حبیب- متون طبری، فصلنامه آینه میراث-ضمیمه شماره 15-سال 1388
- شکری، گیتی- ساختار غیرشخصی در گویش مازندرانی، دانشگاه ایسالا-برگردان میترا امیری
- افشار، محمود- یگانگی ایرانیان و زبان فارسی، مجله آینده –شماره اول، دوره چهارم مهرماه 1338
- ”Mackenzie, D.N. “A Concise Pahlavi Dictionary
- ” Skjaervo, O. P – “An Introduction to Young Avestan
- ” Skjaervo, O. P- “An Introduction to Old Persian
- واژه نامه سانسکریت دانشگاه کلن: <http://www.sanskrit-lexicon.uni-koeln.de>
- سایت ریشه شناسی زبان انگلیسی : <http://www.etymonline.com>
- سایت فرهنگ لغت مازندرانی : <http://www.tabarestan.ir>
- مترجم گوگل: <http://www.translate.google.com>